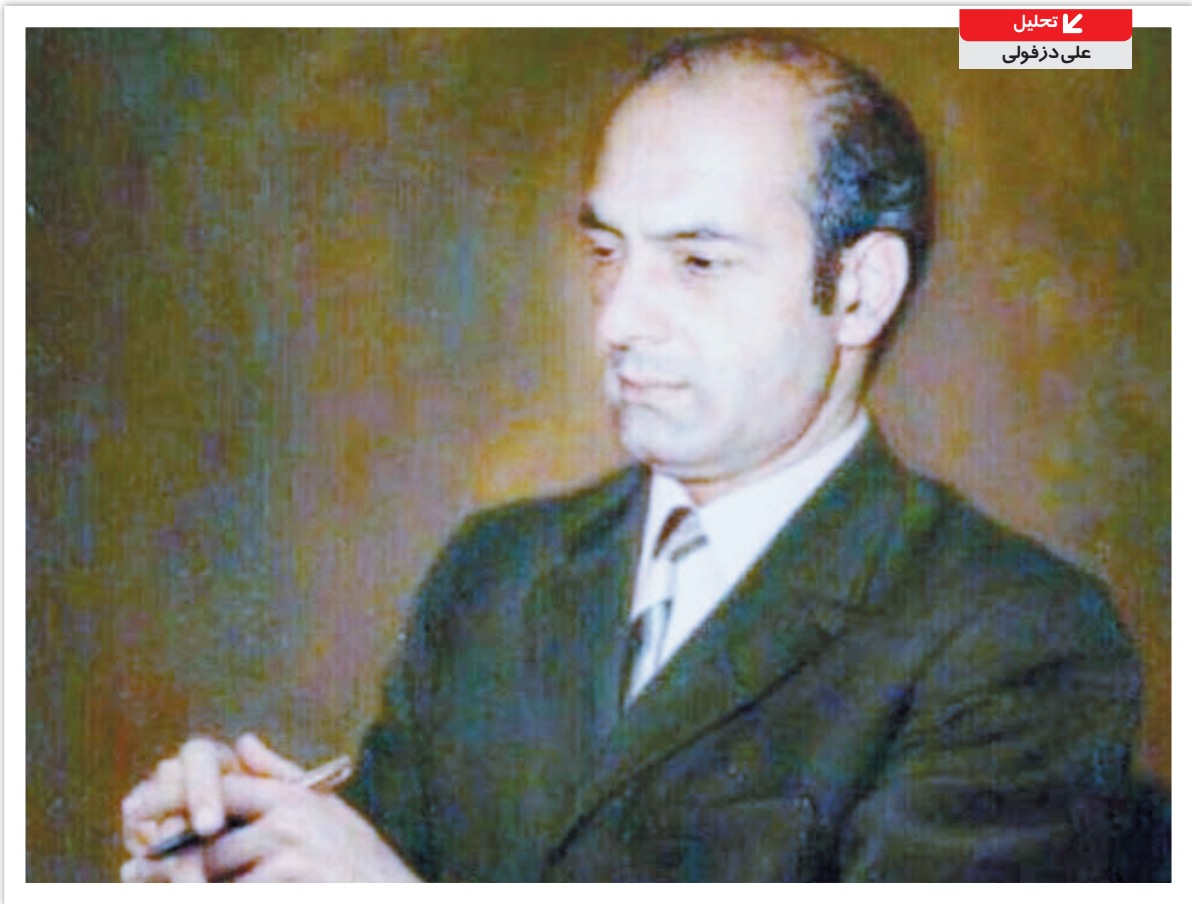


بررسی ماهیت «ایدئولوژی» در نگاه دکتر علی شریعتی

# سرمایه‌داری، دشمن اصلی ایدئولوژی اسلام انقلابی



تحلیل

علی دزفولی

یکی از متفکرین تاریخ روشنفکری معاصر که به مکتب اسلام حقیقی به عنوان یک ایدئولوژی می‌نگرد، دکتر علی شریعتی است. ایشان با بسط تعریف ایدئولوژی آن را قرائتی از دین می‌داند که متضمن ارکاهاهایی برای رسیدن به وضعیت ایده‌آل است. در نظام فکری شریعتی احیای اسلام به عنوان یک ایدئولوژی، تکوین و شکل‌دهی به تصویر صحیح از آن وظیفه مهم روشنفکران اسلامی است.

■ **ماهیت ایدئولوژی**

واژه ایدئولوژی همانگونه که پیداست از ترکیب دو عبارت ایده به معنای فکر و اندیشه و چارچوب و «لوژی» (برگرفته از لگوس) در معنی شناسخت می‌باشد. با ترکیب این دو عبارت می‌توان به معنی «عقیده‌شناسی» جهان‌بینی و شناخت انسان یا تاریخ یا جامعه، مسئولیت یک فرد، یک گروه یا یک ملت را در حالت مطلوب بیان می‌نماید. این واژه در مسیر تاریخی تکامل خود فرایند بلندمدتی را طی کرده است و ظاهراً در ابتدا کاربرد وی منفی داشته و دستمایه تمسخر فلاسفه قرار گرفته است. اما به تدریج به مفهوم ریشهای خود نزدیک‌تر شده است، به طوری که امروزه کاملاً وجهی مثبت یافته است. در تعریفی تکامل یافته‌تر و مورد پذیرش علمای علوم اجتماعی، ایدئولوژی عبارت از عقیده و شناخت عقیده است و در معنای اصطلاحی بیشتر و آگاهی است ویژه که انسان نسبت به خودش، جایگاه طبقاتی، ایگاه ملی، تقدیر تاریخی و جهانی خود و گروه اجتماعی که وابسته به آن است، دارد و بر اساس آن مسئولیت‌ها، راه‌حل‌ها و نهایتاً جهت‌گیری‌های قضاوتی پیدا می‌کند.

دکتر علی شریعتی را می‌توان یکی از صاحب‌نظران اجتماعی در فضای شکل‌گیری انقلاب اسلامی دانست که تا حدود زیادی به مکتب فلسفی و علوم اجتماعی غرب نیز اشراف داشت. وی ایدئولوژی را در یک عبارت اینگونه خلاصه نموده است: «ایدئولوژی عبارت است از اخلاق فلسفه زندگی، رسالت و مسئولیت فردی و اجتماعی مرتبط با آن فلسفه» و در جای دیگر می‌نویسد: «ایدئولوژی یعنی تکنیک چگونه زیستن و چگونه ساختن اجتماع و در یک کلمه تقدیری که انسان برای خود، جامعه و تاریخ قائل است.»

در واقع ایدئولوژی پاسخی است برای سؤالاتی که بشر برای زیستن با آنها مواجه است. از نگاه شریعتی مهم‌ترین این پرسش‌ها که ایدئولوژی موظف به پاسخ دادن به آنهاست عبارت‌اند از: چگونه باید زیست؟ چه تا شکل اجتماعی باید ساخت؟ فرایند تغییر وضع اجتماعی موجود به مطلوب چگونه باید صورت گیرد؟ انسان به عنوان فرد چه نسبتی با جامعه دارد؟ نقطه شروع حرکت به سوی آرمان چه باید باشد؟ به چه طرف باید رفت و شعارها چه باید باشد؟

از همین تعریف می‌توان دریافت هر کس که دارای ایدئولوژی باشد در واقع دارای یک «یده‌آل» هم هست که این ایده‌آل می‌تواند یک انسان مطلوب یا یک جامعه ایده‌آل یا ترکیبی از اینها باشد.

شریعتی این ایده‌آل را اینطور توصیف می‌کند: «در ایدئولوژی تضاد مبیان وضع موجود و مطلوب وجود دارد. یعنی اعتراض به وضع موجود و انسانی که ساخته می‌شود و یک نفی‌کننده وضع موجود در مقابل وضع مطلوب است. لذا آنکس که ایدئولوژی دارد، ایده‌آل هم دارد. هم انسان ایده‌آل و هم جامعه ایده‌آل.»

در این میان «ایدئولوگ» فردی است که با تشریح این جهان‌بینی مخصوص و ترسیم وضعیت ایده‌آل

چگونگی رسیدن جامعه به سطح مطلوبیت مورد نظر را توصیف می‌کند.

شریعتی ایدئولوگ را به لحاظ مفهومی فردی می‌داند

که صاحب یک عقیده خاص است و از او به عنوان «طراح جامعه ایده‌آل» نام می‌برد.

■ **اسلام و ایدئولوژی**

اگر ایدئولوژی را طبق تعریف فوق دارای شأنیت تعیین طریقت بدانیم (ایدئولوژی صرفاً بیانگر حقایق و ایده‌آل‌ها نباشد بلکه مسیر دسترسی به آنها را نیز مشخص کند) به نظر شریعتی می‌توان حضرت محمد(ص) را نیز به عنوان بزرگ‌ترین ایدئولوگ مطرح نمود که حقیقت دین به مکتب اسلام را با همه باید و نبایدهای چارچوب‌های مشخص شده برای مردمان عصر خود و اعصار پس از خود بیان نموده‌است. حتی وی در خصوص امیرالمؤمنین(ع) معتقد است در میان دو شأن امامت و خلافت، شأن امامت به جایگاه ایدئولوگ بودن امام در میان امت اشاره دارد توجه خلافت به بروز سیاسی به جایگاه اجتماعی نظر دارد. لذا شأن امامت و زعامت امت که از طریق پیامبر به امیرالمؤمنین(ع) اعطا گردید جایگاه و ساختاری اجتماعی نیست که در برای تحویل آن اساساً نیازی به نظر مردم و مقبولیت باشد. کما اینکه در هیچ جامعه‌ای ایدئولوگ را به واسطه انتخابات بر نمی‌گزینند.

همانگونه که مشاهده می‌شود در نگاه شریعتی ایدئولوژی جایگاه بسیار بالایی دارد و از نظر وی اسلام نیز زمانی می‌تواند مسیر را برای تکامل نمایش دهد که در قالب ایدئولوژی ارائه گردد. وی در جایی می‌نویسد: «کسی از من پرسید به نظرت مهم‌ترین موقعیتی که در سال‌های اخیر کسب کرده‌ایم چیست؟ و من گفتم در یک کلمه تبدیل اسلام از یک صورت فرهنگی به یک ایدئولوژی و از سنت‌های جزئی موروثی به خودآگاهی مسئولیت‌زای انتخابی.»

به اعتقاد وی در حال حاضر اسلام در یک برهه زمانی مهم پس از پیامبر(ص) قرار دارد که ویژگی مهم آن «تکوین ایدئولوژی» است. عدم فهم جایگاه مهم این مقطع زمانی و مسئولیت‌ناپذیری در قبال آن منجر به عقب‌ماندن نهضت و بی‌ثمر شدن همه رشادتها شد.



شریعتی به‌رغم تصویر ذهنی که لیبرال‌ها پس از وفات وی ساخته‌اند، به‌شدت در حوزه ایدئولوژی دشمن‌ستیز است و از قضا دشمن جدی تفکر اسلامی را نیز غرب و ایادی استکبار می‌داند



شریعتی نه تنها سرمایه‌داری را به عنوان دشمن اصلی تفکر انقلابی برمی‌شمرد بلکه بر خلاف تصور کنونی شکل گرفته از شریعتی ، به مارکسیسم نیز به عنوان ایدئولوژی رقیب می‌نگرد

که موافقتی با تفکر اسلامی ندارد

و فداکاری‌ها خواهد بود؛ «ما که به رغم ۱۴ قرن تاریخ هنوز چند سنالی است که این مرحله را آغاز کرده‌ایم و نخستین گام‌ها را بسیار کم‌تجربگی خطرناک و فاجعه‌آمیز و نابودگر است اگر از آن به غفلت بگذریم و مکتب تلاشمان را در محدوده یک عمل مطلق سیاسی مستهلک سازیم. این کار باعث می‌شود که اسلام نو در چنین خفه شود و میراث‌خوار جهادها و رشادتهای ما کسانی دیگر باشند که بارها نشان داده‌اند میراث‌دارانی حق‌شناس و دشمن‌کام هستند و نهایتاً سر از گریبان همزیستی مسالمت‌آمیز با امپریالیسم و سرمایه‌داری درمی‌آورند در حالی که نه ما چنین آرمانی داشتیم و نه بود.»

شریعتی که نگاه نسبتاً مثبتی به روایت‌های برخاسته از فراروایت مارکسیسم نیز دارد (روایت‌هایی چون سوسیالیسم اجتماعی) اینکه مکتب مارکسیست توانسته بلافاصله پس از ظهور و ایده اولیه به تکوین ایدئولوژی بپردازد را یکی از نقاط قوت آن برمی‌شمرد

در حالی که پس از گذشت چند قرن ما باید دوباره «زمینه‌سازی اولیه مذهب را علی‌را، محمد را، از درون فرهنگ بسیط مسلمانی بیرون بکشیم» و آن را تجدید بنا کنیم.

■ **بیماری‌های ایدئولوژی اسلامی**

تفکر احیایگری اسلامی در نگاه شریعتی در پس گذشت قرن‌ها مبتلا به امراضی شده‌است که سبب دور شدن آن از یک ایدئولوژی انقلابی و تبدیل به یک «سنت» شده است.

تعبیر شریعتی در این خصوص «تغذیه ناسالم تفکر اسلامی» است. او معتقد است در طول قرون ماضی تفکر اسلامی گاه تغذیه هندی... و در نتیجه این تغذیه‌های ناسالم، تدریجاً مزاج تفکر اسلامی تغییر کرد و تعادل سلامت و حیات کالبد آن به هم ریخت. در نتیجه به تعبیر او «یکی افتاد به عرفان، یکی افتاد به فلسفه، یکی افتاد به بینش علمی، یکی افتاد به عقده‌گشایی مقابل فلاسفه، یکی افتاد به مقابله با فلاسفه ایرانی...» و در نهایت این عناصر وارد روح و خون و بینش تفکر اسلامی گردید.

نهایتاً نتیجه می‌گردد قرائت‌های ناصواب از ایدئولوژی اسلامی اکنون خود به عنوان قدرتی مقابل تفکر احیایگری و تجدید بنای اسلامی ایستاده و با آن مخالفت می‌کنند و اسلامی که دارای حرکت انقلابی است را نفی می‌کنند.

البته این بخش از نگاه شریعتی با نقد اسلام‌شناسان همراه بوده‌است؛ چراکه پژوهشگران و مورخان اسلامی به جز وجوهی که شریعتی از تعلقاتی چون عرفان و تفلسف برای اسلام بیان نموده است، به وجوه مثبت

در توضیحات شریعتی در خصوص جایگاه ایدئولوژی اسلام انقلابی در نسبت سایر ایدئولوژی‌های معارض، نه تنها سرمایه‌داری را به عنوان دشمن اصلی تفکر انقلابی برمی‌شمرد بلکه بر خلاف تصور کنونی شکل گرفته از شریعتی و با توجه به حمایت وی از قرائت سوسیالیسم، به مارکسیسم نیز به عنوان ایدئولوژی رقیب می‌نگرد که نه تنها موافقتی با تفکر اسلامی ندارد بلکه با بسط و توسعه تفکر انقلابی ذیل ایدئولوژی اسلام مخالف است و این مخالفت از آن‌جانشنت می‌گیرد که «اسلام نیروی بر خاسته‌ای است که جای مارکسیسم را تنگ می‌کند.»

در یک نگاه کلی می‌توان الگوی فکری شریعتی در پروژه تجدید بنا و تکوین ایدئولوژی اسلامی را دارای «مانع»، «رقیب» و «دشمن» دانست. دشمن پروژه استکبار و ایدئولوژی سرمایه‌داری است. رقیب این گفتمان قرائت مارکسیستی است و قرائت‌های تحریف‌شده یا مضاف از اسلام نیز از نظر شریعتی موانع پیشسرد این پروژه محسوب می‌شوند.

صراط

### تمدن‌سازی بدون ایدئولوژی ممکن نیست



چند تا فیلسوف‌نمای غربی عنوان «ایدئولوژی زدایی» را مطرح کردند. می‌بینید گاهی در بعضی از این مقالات روشنفکری، عنوان «ایدئولوژی‌زدایی» مطرح می‌شود. آقا جامعه را با ایدئولوژی نمی‌شود اداره کرد. چند تا فیلسوف یا فیلسوف‌نمای غربی این را گفته‌اند؛ یک عده‌ای هم اینجا طوطی‌وار، بدون اینکه عمق این حرف را درک کنند، بدون اینکه ابعاد این حرف را بفهمند چیست، همان را تکرار کردند، باز هم تکرار می‌کنند. هیچ ملتی که داعیه تمدن‌سازی دارد، بدون ایدئولوژی نمی‌تواند حرکت کند و تا امروز حرکت نکرده است. هیچ ملتی بدون دارا بودن یک فکر و یک ایدئولوژی و یک مکتب نمی‌تواند تمدن‌سازی کند. همین‌هایی که امروز شما ملاحظه می‌کنید در دنیا تمدن مادی را به وجود آورده‌اند، اینها یا ایدئولوژی وارد شدند؛ صریح هم گفتند؛ ما کمونیستیم، گفتند ما کاپیتالیستیم، گفتند ما به اقتصاد سرمایه‌داری اعتقاد داریم؛ مطرح کردند، به آن اعتقاد ورزیدند، دنبالش کار کردند؛ البته زحماتی هم محتمل شدند، هزینه‌های بر دوش آنها گذاشته شد. بدون داشتن یک مکتب، بدون داشتن یک فکر و یک ایمان و بدون تلاش برای آن و پرداختن هزینه‌های آن تمدن‌سازی امکان ندارد.

■ **حوزه به یاد مرکز ایدئولوگ‌ها باشد فعلاً بنگونه نیست**

حوزه باید مراکز متعدد تحقیقاتی داشته باشد تا در تمام این زمینه‌ها مثل یک مجموعه تولیدی مرتب و مدرن کار کند و محصول بدهد. اگر چنانچه دستگاه در مسئله‌ای دچار سؤال شد - مثل مسئله زمین و موسیقی و در یک چارچوب وسیع‌تر، سیستم اقتصادی و روابط خارجی و ارتباط با ملت‌ها و مسائل بولی و ارزش‌های کارگزاران حکومت و صدها مسئله از این قبیل که هر دستگاهی همواره با این سؤالات از لحاظ مبنایی مواجه است که ما بر چه اساسی قانون بگذرانیم و بر چه اساسی مقررات اداری بگذاریم و بر چه اساسی عمل کنیم - بدانند که مرکزی اینگونه سؤال‌ها را جواب می‌دهد - حوزه‌های علمیه قم در تصویر مطلوب و ایده‌آلی، یک کارگاه ایدئولوژی و مرکز ایدئولوگ‌هاست. البته تاکنون حوزه این نقش را مستقیماً به عهده نگرفته است. اگر چه بر کات نازل بر این کشور، از شخص شخصیتی که در ریشه همین چیز و مایه اصلی همه این برکات بود - ناشی می‌شد و دیگران همه متخرجان حوزه‌اند، اما این غیر مستقیم است. حوزه باید مستقیماً در این مسائل دخالت کند.

بیانات رهبر انقلاب در تاریخ‌های ۶۸/۹/۷ و ۶۸/۷/۲۳ | ۱۳۹۱

پیشخوان

توسط آندیشکده به رهان

### «مردم‌سالاری دینی، مبانی و غیریت‌ها» منتشر شد

«مردم سالاری دینی، مبانی و غیریت‌ها» که از مجموعه کتاب‌های «دین‌شناسه نظام اسلامی» و حاصل تلاش جمعی از پژوهشگران آندیشکده به رهان است - در ۷۶ صفحه و سه گفتار، از سوی «انتشارات دیدمان» به زیور طبع آراسته گردیده‌است. به گزارش خبرگزاری مهر «مردم‌سالاری دینی و لیبرال دموکراسی»، «مردم‌سالاری دینی» در مکتب امام» و «جامعه‌شناسی نظام مردم‌سالاری دینی» عناوین گفتارهای سه‌گانه این کتاب هستند. در بخشی از مقدمه این کتاب می‌خوانیم: «تعبیر «مردم‌سالاری دینی» محصول اصطلاح‌پردازی مقام معظم رهبری در اواخر دهه ۷۰ و در واکنش به رویکرد سسکولار -



دموکراتیک جریان اصلاحات بود. این جریان سیاسی، تعبیر و برداشتی غربی (سکولار) از لفظ دموکراسی ارائه و ماهیت ایدئولوژیک انقلاب اسلامی را به نفع آن صادره و محدود کرده بود. از این رو، رهبر معظم انقلاب، به این واسطه تلاش کرد در برابر رسمیت یافتن الگوی دموکراسی غربی، مانع ایجاد کند. ایشان تأکید کردند چون ما نمی‌توانیم همه مفاد محتوای لفظ «دموکراسی» را تضمین کنیم، تلقی خود را در قالب تعبیر «مردم‌سالاری دینی» عرضه می‌کنیم. البته مردم‌سالاری دینی مقوله‌ای اجتماعی - و به صورت خاص، سیاسی - است که از آغاز انقلاب اسلامی، وجود عینی یافته است؛ یعنی نظام جمهوری اسلامی در عمل بدان پایبند بوده، اما در سال‌های پایانی دهه ۷۰ و به واسطه رهبر معظم انقلاب، وجود مفهومی مستقل و متمایز نیز یافته است؛ چنانکه خود ایشان تصریح می‌کنند که نظریه مردم‌سالاری دینی، ترجمان و برگردانی از ایده «جمهوری اسلامی» است؛ «جمهوری، یعنی مردم‌سالاری» اسلامی یعنی دینی. بعضی خیال می‌کنند ما که عنوان مردم‌سالاری دینی را مطرح کردیم، حرف تازه‌ای را به میدان آوردیم؛ نه. جمهوری اسلامی یعنی مردم‌سالاری دینی.» (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰)

توضیح اینکه مقولات اجتماعی دو نوع وجود دارند: وجود واقعی (عینی) و وجود اعتباری (مفهومی). ممکن است یک مقوله اجتماعی، وجود عینی داشته باشد، اما انسان نسبت به آن تنبیه و توجه نداشته و این مقوله در ذهن و نگاه او، اهمیت و برجستگی نیافته و از این رو، برای آن مفهوم پردازی و جعل اصطلاح نکرده باشد. گفتمان معرفتی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی، به الگوی نظام سیاسی «دیکتاتوری» را برمی‌تابید و نه الگوی نظام سیاسی «دموکراسی» را. زیرا هیچ‌یک از الگوها با هویت اسلامی این انقلاب اجتماعی تاریخ‌ساز تطبیق نداشت و نمی‌توانست بستر را برای حرکت تکاملی آن

به سوی آرمان‌ها و غایاتش فراهم نماید. به این سبب، فراتر از دو‌گانه سکولار دیکتاتوری/دموکراسی، نظریه متفاوتی برای نظام‌سازی دینی ابداع گردید: «مردم‌سالاری دینی» یک راه‌آسود است در مقابل دیکتاتوری‌ها و نظام‌های مستبد از یک طرف و دموکراسی‌های دور از معنویت و دین از طرف دیگر.» (همو، ۱۳۸۸)

علاقه‌مندان جهت تهیه این کتاب، می‌توانند با شماره تلفن ۲۶۱۵۳۲۹۳ - ۰۲۱ - تماس حاصل نمایند.

رویداد

### برگزاری نشست «جنگ جهانی جمعیت»

نشست تخصصی و مراسم رونمایی مجموعه کتاب «جنگ جهانی جمعیت» با سخنرانی اساتیدی چون حسن عباسی و حسن رحیم‌پور ازغدی، ۲۲ آبان در حوزه هنری برگزار می‌شود. در این برنامه حسن عباسی رئیس آندیشکده یقین، حسن رحیم‌پور ازغدی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و علی‌اکبر محزون مدیرکل دفتر جمعیت و سرشماری مرکز آمار ایران، در کنار صالح قاسمی نویسنده و پژوهشگر جمعیت درباره تهدیدات جمعیتی به بحث می‌پردازند و مجموعه کتاب هفت جلدی «جنگ جهانی جمعیت» رونمایی می‌شود.

مجموعه پژوهشی «جنگ جهانی جمعیت» اثر صالح قاسمی، پژوهشگر مسائل جمعیتی است. کتاب‌های «کندو»، «پایان پویایی»، «قتل خاموش»، «باید برگردیم»، «سرخه بدلی» و «من قاتل نیستم» و کتاب «یک نان آور بیشتر» تازه‌ترین اثر این مجموعه، همگی به همت نشر خیزش نو منتشر شده‌اند. این کتاب‌ها حاصل پژوهش‌های قاسمی درباره تهدیدات جمعیتی و آمار و رقم در خصوص بحران جمعیت ایران، سیاست‌های جمعیتی ایران و کشورهای دیگر، طرح‌های نظام سلطه برای مهار جمعیت جهان و... است. نمایش فیلم مستند «راه‌بی‌بازگشت» و تقدیر از فعالان رسانه و هنر در حوزه جمعیت بخش‌های دیگر این مراسم هستند. این برنامه به همت مجمع ناشران انقلاب اسلامی، نشر خیزش نو، مرکز مطالعات راهبردی جمعیت و حوزه هنری انقلاب اسلامی برگزار می‌شود.

علاقه‌مندان به شرکت در این مراسم می‌توانند از ساعت ۱۴ روز سه‌شنبه ۲۲ آبان در سالن سوره حوزه هنری واقع در خیابان سمیه، قبل از تقاطع حافظ حضور یابند.

